



بررسی جریان سیال ذهن در رمان «قاعده بازی»

دکتر فرشته محجوب،

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور، f.mahjoub1354@yahoo.com

چکیده

جریان سیال ذهن یا تک گویی درونی از معروف ترین تکنیک های موجود داستان و شیوه ای از روایت است که تعبیر مختلفی از آن وجود دارد. در جریان سیال ذهن و تک گویی عمق جریان ذهنی یک شخصیت که آفریده ای است از ادراکات حسی و افکار آگاه و نیمه آگاه، خاطرات، احساسات و تداعی های تصادفی است به همان صورت اصلی بیان می شود. این شیوه از روایت در رمان باعث ایجاد ابهام و بی نظمی در حوادث و زمان و مکان و قواعد دستور زبان می شود و ذهنیات اشخاص بدون اینکه به قصد گفتار منظم شده باشند ارائه می شوند. در واقع صحنه ها با هم بی ارتباط هستند و عبارات نظم گفتاری ندارند. از کاربردهای تکنیک مذکور آن است که تأثیرگذارترین وقایع زندگی شخصیت بر ذهن او بدون دخالت راوی آشکار می شود و در واقع شخصیت ها می توانند صدای خود را بدون آنکه جزئی از صدای واحد نویسنده شوند بیان کنند. در زمره کتاب هایی که به شیوه جریان سیال ذهن به نگارش درآمده رمان «قاعده بازی» از فیروز جلالی زنوزی است. رمان قاعده بازی از رمان های معاصر ادبیات ایران است که همزمان با دوران پختگی نویسنده به نگارش درآمده است و طرزی ماهرانه هزارتوی آدمی را می کاود. این اثر به دلیل داشتن ابعاد روانشناسانه، فلسفی و اجتماعی در سال ۱۳۸۷ جایزه ادبی جلال آل احمد را دریافت کرده و علاوه بر آن برنده جایزه قلم زرین نیز شده است.

با بررسی رمان قاعده بازی می توان دریافت از مؤلفه های مشهود جریان سیال ذهن در کتاب قاعده بازی، به هم ریختگی ساختار نحوی جملات، وجود استعاره ها و نمادها، مبهم بودن فضا و زمان، تجربه گرایی، خلاق بودن، برجستگی فرم و زبان، دیر فهم بودن و دشواری ارتباط مخاطب باشیوه بیان و پردازش ساختاری در این اثر است. زنوزی در این اثر هنجارهای عرفی زبان را می شکند تا به سمت خلق زبانی تازه روان باشد. زنوزی جلالی با بهره جستن از شگردها و ترفندهایی همچون کاربست عناصر شعری به ویژه جلوه های گونه گونه صورخیال اعم از تشبیه، استعاره، تشخیص و حس آمیزی که از رهگذر تلفیق و ترکیب عناصر ناهمگون و خلق تصاویر بدیع، کلام را مخیل و به مرزهای قلمرو شعر نزدیک می کنند و نیز تکنیک هایی از قبیل حذف و کاربرد نابجای عناصر زبانی، بهره گیری از ظرفیت های آرکائیک زبان، خلاقیت در عرصه ی ساخت واژگان و ترکیبات واژگانی بدیع و تازه، بهره گیری از ظرفیت های بومی و اقلیمی زبان، بهره جستن از واژگان یا ساخت های نحوی کاررفته در زبان محاوره و اقسام توازن های ساختاری و معنایی، ضمن اینکه داستان خود را از اسلوب بیانی خاص و سبکی منحصر به فرد برخوردار

ساخته، زمینه ساز ابهام و غرابت معانی و نیز تحقق رستاخیز واژگان و آشنایی زدایی در سطح سخن روایت یا زبان داستان گردیده است.

کلید واژه: جریان سیال ذهن، قاعده بازی، فیروز زنوزی جلالی، داور علت خواه، انبار ضایعات

مقدمه

رمان «قاعده بازی» نوشته فیروز زنوزی جلالی یکی از رمان های معاصر ادبیات ایران است که همزمان با دوران پختگی نویسنده به نگارش درآمده است و از جهتی عمیق ترین و پخته ترین رمان این نویسنده است. داستان این رمان که راوی آن اول شخص و به شیوه ی سیال ذهن است. از این قرار است که شخصیت اصلی داستان "داور علت خواه" تصمیم قاطع گرفته است که "او" را بکشد و این "او" که ضمیر سوم شخص غایب است، برای مخاطب و راوی داستان مجهول است. لذا داور علت خواه از اداره ضایعات که کارمند آنجا است به مدت چهار روز مرخصی می گیرد تا این او را بجوید. داور علت خواه بعد از اینکه مظنون اصلی خود را در میان نزدیکان و دوستان خود جست و جو می کند و او را نمی یابد سر انجام به این نتیجه می رسد که این او کسی نیست جز خودش. سر فصل کتاب ها از نام چهار حیوان مأخوذ است. نام حیوانات از روباه به شغال، گرگ و سپس پلنگ تغییر می کند که به معنای رشد و تکامل است؛ یعنی شخصیت داستان مانند این حیوانات بزرگ و بزرگ تر می شود و به سمت کمال حرکت می کند.

جریان سیال ذهن در رمان قاعده بازی:

رمان «قاعده ی بازی» حدیث نفس و واگویه های ذهنی انسان هایی دردمند است که دردها و پلشتی های روحشان را برون افکنی می کنند و بدون رویکرد روان کلوانه نمی توان سراغ آن رفت. راوی قاعده بازی انسانی است که دردهایی دارد که نمی تواند به کسی بگوید «گفتنی هایی در دنیا وجود دارند که فهمشان برای همه کس میسر نیست و بازگو کردنشان هم، مخصوصاً نزد آدم های عامی و آن اکثریت های کرگوش که زنگ بایدشان را نمی شنوند، نهایت بلاهت است» (زنوزی جلالی ۱۳۸۶: ۱۹). در این اثر با دنیای واقعی تر و ملموس تر روبه رو هستیم؛ واقعیتی تلخ، با همان نمادهای واقعی اش.

شکل های غیر خطی و زمان های به هم ریخته ی داستان نویسی مدرن در این رمان کاملاً واضح است. زنوزی مخاطب را نه تنها به صورت عقلی، بلکه به صورت حسی - شهودی با داستان آشنا می کند. زنوزی برای بیان محتویات ذهنی خود همواره از الفاظ و واژگان صریح و مستقیم یا الفاظ صوری و سمبلیک استفاده می کند (بیات، ۱۳۸۳: ۱۱)